

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصول شناخت

چیزی در رابطه با اصول تفکر صحیح
برای رسیدن به شناخت صحیح

تألیف

آیه الله شیخ ماجد کاظمی

ترجمه

مؤسسه دفاع از مذهب اهل البيت (علیهم السلام)

شماره تماس

۰۹۱۶۸۲۱۷۲۸۳

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	کاظمی، ماجد، ۱۳۳۷ -
عنوان قراردادی	اصول المعرفة: بحث حول اصول التفكير الصحيح و میانی الاستدلال الصحيحه، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	اصول شناخت: بحثی در رابطه با اصول تفکر صحیح برای رسیدن به شناخت صحیح/ تألیف ماجد کاظمی (الدباع)؛ ترجمه مؤسسه الدفاع عن مذهب اهل البيت علیه السلام.
وضعیت ویراست	[ویراست ۲۲]
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱۲۱ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۳۸-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	ویراست قبلی کتاب حاضر با همین عنوان توسط انتشارات دارالهدی در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه به صورت زیر نویس.
عنوان دیگر	بحثی در رابطه با اصول تفکر صحیح برای رسیدن به شناخت صحیح.
موضوع	استدلال
موضوع	Reasoning
موضوع	منطق شناخت
موضوع	Epistemic logic
موضوع	شناخت فلسفه
موضوع	Knowledge Theory
موضوع	اندیشه و فکر
موضوع	Thought and thinking
شناسه افزوده	مؤسسه دفاع از مذهب اهل البيت عليهم السلام
رده بندی کنگره	BC۱۷۷
رده بندی دیویی	۱۶۰
شماره کتابشناسی ملی	۷۲۹۲۷۴۵
وضعیت رکورد	فیبیا

نام کتاب	اصول شناخت: بحثی در رابطه با اصول تفکر صحیح برای رسیدن به شناخت صحیح
ناشر	چتر دانش
تألیف	آیه الله شیخ ماجد کاظمی
ترجمه	مؤسسه دفاع از مذهب اهل البيت عليهم السلام
نویت و سال چاپ	اول - ۱۳۹۹
شمارگان	۱۰۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۳۸-۸
قیمت	۲۲۵۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمیربی جاوید (اردیبهشت شمالی)، بلاک ۸۸

تلفن مرکز یخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

الفهرس

۵	مقدمه مترجم
۱۳	مقدمه
۱۴	اصل اول: واقعی بودن عالم
۱۴	اصل دوم: جایگاه عقل
۱۵	دیدگاه مادی گرایان
۲۳	اصل سوم: ارزش شناخت
۲۴	خلاصه ادله شک گرایان
۲۶	جواب شکات شک گرایان
۳۰	شناخت از نظر فلاسفه
۳۴	نقد اصولی حضوری و ذهن گرایي
۴۱	فلسفه پارسا
۴۳	معنای جدید رموز حیات وجود
۴۴	جواب این سینا به نظریه حادث قبل و عاقل و معقول
۴۶	کلام صدر در پاسخ به این استدلال
۴۷	پاسخ استدلال ملا صدرا
۴۷	استدلالات واهی
۵۰	اصل چهارم: منابع شناخت
۵۳	اصل پنجم: مدرکات عقل
۵۷	دیدگاه قرآن پیرامون عقل عملی
۵۹	اصل ششم: قوانین عقلی و طبیعی
۶۰	آیا قوانین جهان طبیعت ذاتی؟
۶۲	اول: آیا منجبت از قوانین واقع است
۶۵	سنتی منجر به عینیت
۸۹	دوم: بحث پیرامون قاعده الواحد لا یصدر منه الا الواحد
۹۳	استدلال بر عدم عقلی بودن این قاعده
۹۳	دلایل ابطال این قاعده
۹۵	دیدگاه اسلام پیرامون قاعده الواحد لا یصدر منه الا الواحد
۹۵	بطالان تفویض
۱۰۶	جواب بعضی مشاهیر فلسفه

- ۱۰۷..... بطلان عقیده به وجود تعلقی و ربطی
- ۱۰۸..... اصل هفتم: طبیعت احکام عقلی
- ۱۰۹..... اصل هشتم: پیرامون شبهه اختلاف عقل و شرع
- ۱۱۰..... اصل نهم: آیا می‌شود به قرآن و سنت استدلال کرد؟
- ۱۱۱..... ندای دین
- ۱۱۵..... از مواهب التحرر: فلاسفه
- ۱۱۸..... اصل دهم: مآثرات لازم

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

مسأله «شناخت» و موضوع «شناخت‌شناسی» معادل کلمه «معرفت» و «معرفت‌شناسی» در زبان عربی است و کاربردهای مختلفی دارد و عام‌ترین مفهوم آن مساوی با مطلق «علم» و «آگاهی» و «اطلاع» است و گاهی به ادراکات جزئی اختصاص داده می‌شود و زمانی به معنای ارزشیابی به کار می‌رود؛ چنانکه گاهی هم به معنای علم مطابق با واقع به معنی استعمال می‌گردد، ممکن است به هر یک از معانی یاد شده یا جری آنها در نظر گرفته شود و در واقع تابع قرارداد است؛ ولی نظر به اینکه هدف از بررسی مسائل شناخت اختصاص به نوع خاصی از آن ندارد، بهر حال است که همان معنای اعم و مساوی با مطلق علم اراده شود.

علم «شناخت‌شناسی» را به این صورت می‌توان تعریف کرد: «علمی است که درباره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع و تعیین ملاک صحت و خطای آنها بحث می‌کند.»

شاید اولین کسانی که زمینه را برای پیدایش مسأله‌ای به نام «آگاهی» و «ارزش آگاهی‌ها» - ارزش معلومات - باز کردند سوفسطائیان در قرن پنجم میلادی بودند که ابتدا نتیجه گرفتند آگاهی و علم بشری پنداری بیش نیست. مثلاً پروتاگوراس بزرگ‌ترین سوفیست می‌گفت: «انسان مقیاس و میزان همه چیز است»، و گورگیاس سوفیست

بزرگ دیگر مدعی بود که: «هیچ چیز وجود ندارد و اگر چیزی موجود باشد هیچ کس نمی‌تواند آن را بشناسد و اگر هم بشناسد این شناخت را نمی‌توان به دیگران منتقل کرد.»^۱ و چون دیگران در مقابل سوفسطائیان ایستادند مسأله «آگاهی» و «ارزش معلومات» در محافل علمی و ادبی مطرح گردید.

علاوه بر منشا اصلی سفسطه که امور حقوقی بود،^۲ قضیه‌ای که اندیشمندان ادیان یک نقطه با بن‌بست روبرو می‌کرد مسأله «اتحاد» بود. برای متفکرین آن دوره، آیهی «و لا اله الا الله» واقعیت خارج و ذهن (میان جهان خارج و جهان ذهن) نقطه تماس عینی و نوعی «اتحاد» بیابند، به شبهات سفسطائیان پاسخ داده می‌شود و به ارزش «آگاهی» افزوده می‌شود.^۳

۱- بزرگان فلسفه، ص ۱۲۹

۲- در یونان آن روز سخت‌واری بالاترین ارزش اجتماعی بود یونانیان و استادان‌های اشراف فرزندان خود را به اساتید سخن می‌سپردند که فن خطابه را به آنان یاد دادند. يك، ثابت شاید و چشم هم چشمی جدی برای نبل به سخنوری و افتخار به توان خطابه‌ای، در كل جامعه رایج‌یاری بود. این روند موجب ظهور سخنوران توانایی شد که به آسانی می‌توانستند در محاکم دادگاه، سخن را حق و ناحق را حق جلوه دهند، مجرم را بری و بری را مجرم نمایند. هر عمل ناهنجار را هنجار و هر عمل هنجار را ناهنجار جلوه دهند. ضد ارزش را ارزش و ارزش را ضد ارزش قلمداد کنند. آنها می‌توانستند، قاضی و هیئت منصفه را تحت تأثیر قرار داده و احکام مطابق میل شان از دادگاه بگیرند - مترجم.

۳- زیرا آنچه بیان آنان را توجیه می‌کرد مباینت (تباين) کلي میان جهان خارج و جهان ذهن بود. می‌دانیم هنگام عمل شناخت و به قول ابن سینا هنگامی که می‌خواهیم يك درخت را ادراك کنیم بیکر درخت به درون ذهن ما داخل نمی‌شود. بنابراین از کجا اطمینان کنیم که برداشت ما از درخت با حقیقت درخت تماس دارد؟ اما اگر میان آن برداشت ذهنی از آن درخت یا خود درخت يك وحدت و اتحادی حاصل شود و بتوان آن را ثابت کرد دیگر زمینه انکار شناخت از بین می‌رود مترجم.